



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicalaw.ir>



مقاله پژوهشی

سیاست جنایی افتراقی در جرائم غیر عمد مستوجب دیه در پرتو کثرت گرایی نظام حقوق کیفری

مصطفی کافی^۱، محسن شکرچی زاده^{۲*}، احمدرضا توکلی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سیاست جنایی افتراقی در جرم‌شناسی یکی از اولین جلوه‌های تکثرگرایی در نظام‌های حقوق کیفری محسوب می‌شود. هدف از پژوهش حاضر بررسی و نحوه اعمال سیاست جنایی افتراقی در زمینه جرائم غیر عمد موجب دیه می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: جلوه‌هایی از سیاست جنایی افتراقی را در طراحی و تصویب قوانین کیفری به ویژه قانون مجازات اسلامی جدید می‌توان مشاهده نمود. در قوانین اخیر می‌توان نمونه‌هایی از رویکرد افتراقی قانون‌گذار در رسیدگی مراجع قضایی از زمان کشف تا اجرای احکام جرایم غیر عمد موجب دیه را مشاهده نمود. اما در ظاهر امر به نظر می‌رسد که مقررات مذکور از جامعیت لازم برخوردار نبوده و در حال حاضر نمی‌توان به صراحت وجود سیاست جنایی افتراقی در جرایم غیر عمد موجب دیه را تأیید نمود.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: نگاه به عالم حقوق از زاویه پست‌مدرنیزم و پیچیده شدن روابط تابعان حقوق باعث شده است که در عالم حقوق، شکست و انکسار ایجاد شود؛ بدین معنا که طبقه‌بندی‌های سنتی، نمی‌تواند روابط پیچیده فعلی تابعان حقوق را پوشش دهد. سیاست جنایی افتراقی در ارتباط با جرائم غیر عمد موجب دیه نیز از این اصل مستثنی نیست. از این منظر، نمی‌توان یک نظم سراسری و یک‌پارچه برای تمام حوزه‌های حقوق کیفری در نظر گرفت.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۵/۱۳

واژگان کلیدی:

نظام حقوق کیفری

عدالت

سیاست کیفری افتراقی

جرائم غیر عمد

* نویسنده مسؤؤل:

محسن شکرچی زاده

آدرس پستی: ایران، نجف آباد،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد،

گروه حقوق.

کد پستی: ۸۵۱۴۱-۴۳۱۳۱

تلفن: ۳۱-۴۲۲۹۲۹۲۹

پست الکترونیک:

Mohsen.Shekarchi@gmail.com

۱. مقدمه

هدف اصلی از طراحی هنجارهای حقوقی، تنظیم روابط تابعان حقوق می‌باشد. در واقع براساس نیازهایی که در فضای روابط تابعان حقوق ایجاد می‌شود، هنجارهای حقوقی طراحی و تصویب می‌شوند. با گذشت زمان و ورود متغیرهای جدید به فضای روابط تابعان حقوق، روابط تابعان نیز پیچیده‌تر خواهد شد و به تبع آن نیز تنظیم این روابط به موجب هنجارهای حقوقی نیز دشوارتر می‌شود. با افزایش پیچیدگی‌های روابط تابعان و اختصاصی شدن آن‌ها، لازم است که هنجارهای حقوقی نیز اختصاصی شود. به همین دلیل است که از نظر بسیاری از نویسندگان حقوقی، عالم حقوق به سمت اختصاصی شدن حرکت می‌کند و به سختی می‌توان قواعد و هنجارهای عامی را طراحی کرد که بتوانند روابط همه تابعان را تنظیم کنند. به تعبیری، با طراحی هنجارهای اختصاصی می‌توان روابط اختصاصی را تنظیم کرد.

از این منظر، به تبع روابط تابعان حقوق، هنجارهای حقوقی نیز به سمت انکسار حرکت می‌کنند. تکثرگرایی در حوزه‌های مختلف عالم حقوق از جمله حقوق کیفری نیز وارد شده است. حوزه حقوق کیفری قدیمی‌ترین شاخه از عالم حقوق می‌باشد که تحت تأثیر تکثرگرایی قرار گرفته است. مبنای این رویکرد نیز به این مسئله بازمی‌گردد که در ادبیات نویسندگان حقوق، شرایط ارتکاب جرم برای افراد مختلف، متفاوت می‌باشد و عدالت اقتضاء می‌کند که با وجود شرایط مختلف، برخورد متفاوت هم با افراد داشت. سیاست جنایی افتراقی در جرم‌شناسی یکی از اولین جلوه‌های تکثرگرایی در نظام‌های حقوق کیفری محسوب می‌شود.

افتراقی‌سازی از حیث تاریخی نخست به شکل دوقطبی یا دوگانه‌سازی سیاسی طرح شد. در ابتدا این عقیده مطرح بود که جرم‌ها یا به شکل عادی هستند و یا پرخطر، و مجرم یا بی‌سابقه و یا سابقه‌دار می‌باشد. در نتیجه سیاست جنایی باید این تضادها را در عملکردها و راهکارهای شکلی، ماهوی و جرم‌شناختی خود در نظر بگیرد و رفتار و برخورد با آن جرم‌ها و بزهکاران مساوی نباشد. اما با گذشت زمان افتراقی‌سازی سیاست جنایی دارای مناسبات و چهارچوب پیچیده‌ای شد و

افزون بر جرم و مجرم، موقعیت جرم، آماج جرم و شخص بزه‌دیده و به طور کلی موقعیت یا وضعیت پیش جنایی را نیز در جهت‌گیری‌ها و محتوای برنامه‌های خود وارد نمود. از این رو افتراقی‌سازی تقنینی سیاست جنایی عمدتاً در چهارچوب سه معیار گونه‌شناسی جرایم، گونه‌شناسی بزهکاران و گونه‌شناسی بزه‌دیدگان صورت گرفت.

از جمله تفکیک‌های شکل گرفته براساس بزه، می‌توان به مقررات راجع به آیین دادرسی و کیفر در جرم‌های مواد مخدر، جرم‌های رایانه‌ای و از مصادیق افتراقی‌سازی سیاست جنایی براساس وضعیت بزهکار، دادرسی مخصوص برای کودکان و نوجوانان و از مصادیق افتراقی‌سازی براساس وضعیت اشراف بر کیفر می‌توان به ماده واحده قانون مجازات، امتناع ورزیدن از یاری به آسیب‌دیدگان و برطرف کردن خطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ اشاره کرد.

درباره چگونگی دیه در جرم‌های غیرعمد، با اغماض از قرار گرفتن آن در گروه کیفرهای مقرر در قانون مجازات اسلامی، رسیدگی اختلاف عقیده‌های متفاوت در میان دانشمندان حقوق انسان را بر این باور می‌دارد که در جرم‌های غیرعمد قالب حقوقی خسارت و تاوان، بهترین پوششی است که با آن می‌توان به توصیف این اعمال پرداخت و از این رو می‌طلبد تا از جانب قانون‌گذار سیاست جنایی راهبردی خاص و افتراقی در قانون‌های ماهوی و شکلی در برخورد با این جرم اتخاذ گردد، که مثال‌هایی از این راهکارهای مختلف در قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی قابل رؤیت می‌باشد. به تعبیری در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که سیاست جنایی افتراقی در زمینه جرائم غیرعمد موجب دیه به چه نحو اعمال شده است؟

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جلوه‌هایی از سیاست جنایی افتراقی را در طراحی و تصویب قوانین کیفری به ویژه قانون مجازات اسلامی جدید می‌توان مشاهده نمود. مع الوصف علی‌رغم این که در قوانین اخیر می‌توان نمونه‌هایی از رویکرد افتراقی قانون‌گذار در رسیدگی مراجع قضایی از زمان کشف تا اجرای احکام جرایم غیرعمد موجب دیه را مشاهده نمود که همه این موارد حکایت از آن دارد که راهبرد جنایی قانون‌گذار به این قسم رفتارها از اطلاق عنوان جرم و پاسخ‌های الزاماً کیفری از سوی مراجع رسمی تعدیل گردیده، اما در ظاهر امر به نظر می‌رسد که مقررات مذکور از جامعیت لازم برخوردار نبوده و در حال حاضر نمی‌توان به صراحت وجود سیاست جنایی افتراقی در جرایم غیرعمد موجب دیه را اعلام و تأیید نمود.

۵. بحث

۵-۱. پیشینه تحقیق

سیاست جنایی افتراقی در پژوهش‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم. مقاله «سیاست جنایی افتراقی در سنت علوی با تأکید بر عهدنامه مالک» نوشته محمود خلیلی که در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، در سیاست جنایی افتراقی واکنش متفاوتی در قبال جرایم و یا مجرمان متفاوت، پیش‌بینی می‌شود. مشروعیت این سیاست در منظومه فقهی امامیه نیازمند بازخوانی ادله فقهی می‌باشد. در سیره و سنت گفتاری و نوشتاری امیرالمومنین علی (ع) بویژه عهدنامه مالک اشتر برخوردهای متفاوتی با جرایم خواص و یقه سفیدی در مقایسه با جرایم افراد عادی مشاهده می‌شود؛ که گویای

سیاست جنایی افتراقی در قبال بزهکاران است. با وجود این در بهره‌گیری از عهدنامه مالک در استنباطات فقهی بی‌میلی مشاهده می‌شود و عمده دلیل آن انصاف نهج‌البلاغه و عهدنامه به ضعف سند و مرسل نقل شدن کلام امام علی (ع) در این کتاب شریف است. این نوشته با بررسی اعتبار عهدنامه و پاسخ‌گویی به شبهات متنی، سندی و سلسله رجال واقع در آن به این نتیجه دست می‌یابد که نامه ۵۳ امام علی (ع) برای تدوین سیاست جنایی افتراقی از سند متقن و قابل اعتماد در استنباط فقهی برخوردار است (۱).

مقاله «سیاست کیفری افتراقی در قلمرو ارکان متشکله جرائم سایبری» نوشته داوود کرمی که در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، سیاست کیفری افتراقی به جهت عدول از برخی اصول و معیارهای متعارف حقوق کیفری یا قبض و بسط آنها، یک سیاست کیفری ویژه و متمایز محسوب می‌شود. جرائم سایبری به عنوان دسته‌ای از جرائم نوظهور به جهت اینکه فضای سایبری را به عنوان موضوع یا وسیله جرم انتخاب می‌کند به دلایل مختلف نیازمند چنین سیاست کیفری افتراقی است. در این مقاله تلاش شده است تا ضرورت تدوین یک سیاست کیفری افتراقی برای جرائم سایبری در حوزه ارکان متشکله جرائم سایبری، براساس تفاوت‌های برجسته این جرائم با جرائم سنتی از جمله تفاوت در ماهیت، گستره و بستر ارتکاب جرم تبیین شود و به دنبال آن گونه‌های این سیاست کیفری افتراقی با رویکردی توصیفی و توصیه‌ای در قلمرو این دسته از جرائم بویژه در چارچوب نیازمندی‌های نظام کیفری ایران شناسایی و معرفی شود. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد منطق حاکم بر حقوق کیفری ماهوی جرائم سایبری در بسیاری موارد متفاوت از جرائم سنتی است. از این رو تدوین یک سیاست منسجم کیفری در برخورد با جرائم سایبری را ضروری می‌سازد. اثربخشی و کارایی قوانینی که برای مقابله با جرائم سایبر تصویب می‌شوند، مستلزم نگاهی متفاوت به مقولاتی مانند تعریف جرم، ارکان جرم، مسئولیت کیفری و امثال آن است. گرچه قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ به میزان چشمگیری در

این مسیر گام نهاده است اما نیازمند تکامل و ارتقای بیشتری است (۲).

۵-۲. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

در ارتباط با نوآوری پژوهش حاضر توجه به دو نکته حائز اهمیت است: اول این که، سیاست جنایی افتراقی در غالب پژوهش‌های موجود به صورت کلی مورد توجه قرار گرفته است. دوم این که، سیاست جنایی مزبور به صورت مطالعه موردی صرفاً در برخی موضوعات محدود حقوق کیفری، از جمله مواردی که در پیشینه تحقیق به آن اشاره کردیم (مانند جرائم سایبری یا جرائم اطفال و نوجوانان) مورد بحث بررسی قرار گرفته است. اما در پژوهش حاضر، سیاست جنایی افتراقی با محوریت جرائم غیر عمد موجب دیه و با رویکرد کثرت‌گرایی عالم حقوق مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

۵-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

سیاست جنایی افتراقی از نظر منطق حقوق، عامل اصلی در استقرار عدالت و تنظیم روابط میان تابعان حقوق می‌باشد. در واقع سیاست جنایی افتراقی، باعث توجیه‌پذیری هنجارهای حقوق کیفری و پذیرش آن‌ها از سوی جامعه می‌شود. توضیح این که، از یک سو «توجیه‌پذیری» به عنوان محور اصلی «فرمالیسم حقوقی» محسوب می‌شود و از سوی دیگر، عدالت نیز یکی از عناصر مهم «حکومت قانون» محسوب می‌شود. به بیان ساده‌تر، سیاست جنایی افتراقی ارتباط نزدیکی با فرمالیسم حقوقی و حکومت قانون دارد که این دو به عنوان ستون فقرات عالم حقوق محسوب می‌شوند. درک اهمیت این دو مطلب، در واقع اهمیت تحلیل سیاست جنایی افتراقی را مشخص می‌کند.

باید دقت داشت که در عالم حقوق اساساً نمی‌توان برای تک تک روابط حقوقی به صورت مصداقی قاعده وضع کرد. زیرا اصولاً این روابط و گستره آن‌ها به طور دقیق قابل پیش‌بینی نیست. حقوق، ابزار تنظیم‌کننده روابط است. حقوق برای این که تنظیم روابط را به نحو احسن انجام دهد باید با تکیه بر دو محور اصلی حرکت کند: امنیت، قابلیت پیش‌بینی. پرواضح

است مادامی که طبقه‌بندی روابط و تعیین عنوان برای هریک وجود نداشته باشد، اصولاً امنیت روابط و قابل پیش‌بینی بودن سرنوشت آن‌ها، حاصل نمی‌شود. امنیت و قابلیت پیش‌بینی، در واقع در بطن مفهوم حکومت قانون که دارای پنج عنصر اساسی می‌باشد تعریف می‌شوند؛ عناصر مفهوم حکومت قانون عبارتند از: دسترسی به عدالت و رسیدگی قضایی، جزمیت حقوقی، تناسب، برابری و عدم تبعیض، شفافیت (۳).

از طرفی، در تحلیل روابط حقوقی باید عوامل متعددی از جمله مفاهیم، هنجارهای ماهوی و نیز ساختارهای لازم برای اعمال هنجارهای مزبور در نظر گرفته شود. در پرتو فرمالیست حقوقی به بیان ساده، عوامل فوق، ارتباط میان آن‌ها و نقش فردی و سیستمی هریک از آن‌ها را در روابط حقوقی مورد بررسی قرار می‌دهد (۴). مفاهیم و روابط حقوقی در عالم حقوق از منظرهای مختلف دارای چهره‌های مختلفی می‌باشد؛ برای مثال مفاهیمی مانند جعل، زنا و... از منظر حقوق کیفری دارای چهره‌ای متفاوت با فضای غیرکیفری می‌باشند. در نتیجه دست‌یافتن به یک نگاه جامع و مانع کاری دشوار است. از منظر رویکرد فرمالیسم حقوقی، در واقع با بررسی عوامل فوق اولاً یک نگاه جامع نسبت به روابط و مفاهیم حقوقی حاصل می‌شود و ثانیاً قطعات مختلف نظام حقوقی توجیه‌پذیر می‌شود. توجیه‌پذیری نیز به نوبه خود یکی از عوامل بسیار مهم در فرایند پذیرش و پایبندی به هنجارهای حقوقی می‌باشد. در نتیجه شاید بتوان گفت که رویکرد فرمالیسم حقوقی اولاً به تفکیک ماهیت و قالب مفاهیم و روابط حقوقی و ثانیاً به تحلیل نقش هریک از آن‌ها در شکل‌گیری و تنظیم روابط حقوقی می‌پردازد (۵).

در پایان باید به این مسئله عنایت داشت که کثرت‌گرایی و قائل بودن به انکسار در عالم حقوق و همچنین وجود «حقوق اختصاصی» به جای «حقوق عام»، یکی از مبانی مهمی می‌باشد که در فضای پست مدرنیسم و پیچیده شدن روابط تابعان حقوق، هنجارهای موجود و بی‌نظمی ظاهری آن‌ها را توجیه‌پذیر و از سوی جامعه قابل پذیرش می‌کند.

۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

در پژوهش حاضر متغیر اصلی جرائم غیرعمد می‌باشد. در واقع سایر طبقات جرائم نسبت به چهارچوب پژوهش حاضر خروج موضوعی دارند. از طرفی نیز، سیاست جنایی افتراقی متغیر دیگر پژوهش حاضر می‌باشد. به تعبیری، سایر الگوهای سیاست جنایی مانند سیاست جنایی اجتماعی در پژوهش حاضر مورد توجه قرار نخواهد گرفت.

۵-۵. مفهوم‌شناسی**۵-۵-۱. فرمالیسم و کثرت‌گرایی در علم حقوق**

رسالت اصلی هنجارهای عالم حقوق، در واقع تنظیم‌کننده روابط میان تابعان حقوق است. در روند تولد هنجارهای حقوقی، ابتدا نیازهایی برای تابعان حقوق ایجاد می‌شود و تابعان برای رفع نیازهای خود، روابطی را با یکدیگر ایجاد می‌کنند. در هنگامه روابط مزبور، تابعان به دنبال تأمین منافع خود هستند. در این‌جاست تأمین منافع بستگی به میزان قدرت دارد. در نتیجه هرچه میزان قدرت بیشتر باشد، منافع بیشتری نیز تأمین می‌شود (۶). در این‌جا لازم است که هنجارهایی وجود داشته باشند تا قدرت را مهار کنند. این هنجارها ابتدا در قامت هنجارهای اخلاقی و سپس در قامت هنجارهای حقوقی در فضای روابط میان تابعان حقوق، متولد می‌شوند. در نتیجه نظم و شکل هنجارهای حقوقی و اخلاقی تا حدود زیادی، سایه‌ای از نظم و شکل نیازها، منافع و قدرت می‌باشد (۷).

یکی از چالش‌های مهم در عالم حقوق این است که آیا اساساً نیازها، منافع و قدرت دارای نظم منطقی هستند؟ تا به تبع وجود نظم مزبور بتوان ادعا کرد که در فضای هنجارهای عالم حقوق نیز نظامی منطقی حاکم است؟ در پاسخ به این سؤال دو رویکرد اصلی میان فلاسفه و نویسندگان عالم حقوق شکل گرفته است: برخی اساساً قائل به وجود نظم منطقی و مشخص در فضای نیازها، منافع و قدرت نیستند و در نتیجه به طریق اولی به وجود یک نظم منطقی در فضای هنجارهای حقوقی قائل نیستند؛ در مقابل، برخی دیگر اساساً فضای هنجارهای حقوقی را دارای یک نظم منطقی می‌دانند و معتقدند که

اساساً در فضای هنجارهای حقوقی، فرمالیسم حقوقی وجود دارد (البته فارغ از این‌که آیا فرمالیسم حقوقی ناشی از نظم منطقی موجود در فضای نیازها، منافع و قدرت و به طور کلی فضای روابط میان تابعان حقوق است یا خیر؟) (۸).

در ارتباط با فرمالیسم حقوقی نظرات مختلفی از سوی فلاسفه حقوق و علوم سیاسی ارائه شده است، که هرکدام از جنبه‌های مختلف به این مفهوم پرداخته‌اند. البته می‌توان از میان دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با فرمالیسم حقوقی نقاط مشترکی به دست آورد. مبنای اصلی فرمالیسم، توجیه‌پذیری حقوق است. به بیان ساده‌تر عالم حقوق، صرفاً مجموعه‌ای از هنجارهای بی‌نظم و بی‌منطق نمی‌باشد، بلکه در بطن هنجارهای مزبور و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر و نیز آثار آن‌ها، نظم منطقی مشهود است. در پرتو این نظم منطقی است که هنجارهای عالم حقوق قابل درک و وجود آن‌ها توجیه‌پذیر خواهد شد (۹).

در واقع به هر میزان که روابط میان تابعان حقوق در سطح ساده‌تری قرار گیرند و متغیرهای کمتری در آن‌ها وجود داشته باشد، هنجارهای حقوقی تنظیم‌کننده آن‌ها نیز به مراتب ساده و کلی خواهد بود. در مقابل، هرچه روابط تابعان حقوق در سطح پیچیده‌تری قرار گیرند و متغیرهای بیشتری در آن وجود داشته باشد، هنجارهای حقوقی تنظیم‌کننده آن‌ها نیز به مراتب پیچیده‌تر و جزئی‌تر می‌شود. به بیان ساده‌تر عالم حقوق با گذشت زمان و حاکم شدن فضای پست‌مدرنیسم و منطق فازی به سمت انکسار و اختصاصی شدن حرکت می‌کند (۱۰). در نتیجه، از یک‌سو با توجه به ورود متغیرهای جدید و مختلف به فضای روابط میان تابعان حقوق، روابط مزبور در واقع اختصاصی شده و در پاسخ به این روابط اختصاصی نیز در عالم حقوق، هنجارها و مقررات اختصاصی، طراحی و تولید شده است. از سوی دیگر، مناسبات میان هنجارهای کلی عالم حقوق (که در قامت اصول و قواعد کلی برای اعمال در حوزه‌های مختلف حقوقی طراحی شده‌اند) با هنجارها و مقررات اختصاصی، با چالش‌های مختلفی از قبیل تعارض، تراحم و به طور کلی عدم هماهنگی، مواجه شده است (۱۱).

۵-۵-۲. سیاست جنایی افتراقی

در فوریه ۱۹۷۴ گردهمایی بنام «گردهمایی مطالعه مسائل و دورنماهای راهبرد افتراقی در قلمرو سیاست جنایی» در رم بر پا شد که گردآوری کلی مطالب این گردهمایی بین‌المللی این بود که زمان مقابله و برخورد یکنواخت با جرم تمام شده و با زیاد شدن جرم‌ها و مجرمان، باید راهکارهای گوناگونی بکار برد و بازتاب‌ها و انعکاس حقوقی کیفری و به طور کلی سیاست جنایی را رسیدگی کرد. به این صورت، تفکیک‌سازی، لایه‌بندی یا طبقه‌بندی‌سازی سیاست جنایی، بنام یک راهکار نو، در حقیقت در یک چهارم آخر قرن بیستم وارد پژوهش‌ها و تحقیقات سیاست جنایی شد (۱۲).

بوجود آمدن این مبحث جدید در حقوق کیفری به نام «حقوق کیفری فنی یا خاص» در جایگاه پشتیبانی قسمتی از نتایج بدست آمده است که به علت اختصاصی و فنی بودن حمایت مخصوصی را به همراه اعمال رفتار مناسب و گوناگون می‌طلبد. به این شکل حقوق کیفری بازرگانی یا اقتصادی، حقوق کیفری پزشکی، حقوق کیفری محیط زیست و حقوق فناوری اطلاعات را می‌شود قسمتی از حقوق جزایی فنی یا خاص به حساب آورد که برای برخورد با دیدگاهی مخصوص از پدیده مجرمانه به وجود آمده و سیاست جنایی مخصوص و مختلفی را نگاشته‌اند.

۵-۵-۳. مفهوم دیه

دیه واژه‌ای است عربی، از منظر قرآن در معنا و تفسیر آن بیان شده است: دیه در اصل ودی می‌باشد و او آن به هاء تبدیل شده، دلیل نامیدن خون‌بها به دیه این است که دیه در برابر ریختن خون شخصی داده می‌شود. طبرسی بیان می‌کند: وادی کرانه کوه می‌باشد، مسیر و گذرگاه آب را هم وادی می‌نامند. و آن در اصل بزرگی و اهمیت امر می‌باشد و خون‌بها را از آن جهت دیه می‌نامند که احسان و بخششی می‌باشد در برابر عملی بزرگ یعنی قتل (۱۳).

در حکایات و سخن عرب، واژه عقل هم بجای دیه بکار برده شده است و معنای عقل مانع و نهی می‌باشد و علت آنکه دیه را عقل نامیده‌اند آن است که منعقد کردن دیه مانع از این

می‌شود که مردم خون هم را بریزند و قاتل یکدیگر شوند. معنای دیگر عقل، بستن زانوی شتر می‌باشد و دلیل اینکه به دیه هم عقل گفته می‌شود آن می‌باشد که در عصر جاهلیت، برای خون‌بها تنها دیه می‌پرداختند و نزدیکان قاتل شبانه شترهایی را نزدیک منزل خانواده مقتول می‌بردند و در آنجا زانوهای شترها می‌بستند و صبح دم که خانواده مقتول خانه را ترک می‌کردند شترهای زانو بسته را مشاهده می‌کردند (۱۴).

کلمه دیه در قرآن مجید در آیه ۹۲ سوره نساء آمده که دادن دیه در قتل غیرعمد بر قاتل واجب است، اما در اصطلاح نویسندگان کتاب ریاض المسائل و امام خمینی در تحریرالوسیله در معنی دیه می‌فرمایند: هی المال الواجب بالجنایه علی الحر فی نفس او ما دونها (۱۵).

مؤلف کتاب جواهر هم در معنای دیه می‌فرماید: المراد بها هنا المال الواجب بالجنایه علی الحر فی النفس او ما دونها سواء كان له مقدر اولاً و ان كان ربما اختصت بالاول و الثانی بالارش و الحکومه (۱۶). یعنی «دیه»، مالی است که بر اثر جنایتی شامل حال شخص آزاد یا برده می‌شود چه دیه‌ای که خداوند مقرر کرده و چه دیه‌ای که مقامات قضایی در نظر گرفته‌اند، که همان دیه مقدر و غیرمقدر، به ارش و حکومت نامیده می‌شود.

آیت‌الله موسوی خویی نیز در تعریف دیه گفته است: الدیه: هی المال المفروض فی الجنایه علی النفس أو الطرف أو الجرح أو نحو ذلك (۱۷). عده‌ای نیز با اضافه کردن کلمه غرامت در تعریف دیه می‌گویند: غرامه مالیة شرعت کجزاء علی ارتکاب الجنایه. آیت‌الله فیاض هم در معنای دیه می‌فرماید: دیه، عبارت است از مالی که از نظر مقدار و نوع در دین مشخص شده و به موجب جنایت یا عمل خلاف قانون به جان یا عضو یا در رابطه با مصدومیت و امثال این‌ها واجب می‌شود (۱۸).

در حقوق اسلام نظام جبران خسارت جسمی از نظام جبران خسارات مالی تفکیک شده و در جهت آن قوانینی نیز تصویب شده است. نظام جبران خسارات مالی را در قواعد اتلاف، تسبیب و غضب مورد گفتگو و تحقیق قرار گرفته است. قوانین جبران خسارت جسمی نیز با نام‌های دیه، ارش و «حکومت عدل» بیان شده است (۱۹).

تلاش پایداری عدالت میان اشخاص در روابط خصوصی است و یا طبق اقتضای عدالت توزیعی و معیارهای حاکم بر توزیع در حقوق مدنی شامل حال اشخاص می‌شود و در تلاش برقرار کردن عدالت اجتماعی و یا توزیع مال و منابع جامعه است.

به سبب اینکه دیه حقی برای اشخاص است، نه نوعی ضمانت اجرای کیفری، درخواست دیه مشروط به تقاضای کسانی است که چنین حقی را دارند، آنها می‌توانند به صورت قسطی و یا با واردکننده خسارت سازش کنند. اینکه دیه هویت کیفری ندارد، به معنی این نیست که ضمانت اجرای وارد کردن صدمه جسمی فقط پرداخت دیه باشد. لیکن مقنن می‌تواند به جز اینکه واردکننده خسارت را وادار به پرداخت دیه کند او را با ضمانت اجرای کیفری (حبس، جزای نقدی و...) کیفر کند (۱۹). یا اینکه در حقوق مربوطه نیز قانون‌گذار در خیلی از موارد که بوجود آوردن صدمه و آسیب به شکل غیرعمد بوده ولیکن بدلیل رعایت نکردن و به تعبیر دیگر بخاطر عدم توجه و بی‌احتیاطی شخص مرتکب، موجب بوجود آمدن خسارت شده، بجز پرداخت دیه، چنین فردی را بخاطر رعایت نکردن مقررات و موازین و عمل از روی عمد شکل گرفته، برای برقرار کردن نظم عمومی تعزیر را نیز در نظر می‌گیرد که نمونه آن را می‌شود در وارد کردن آسیب جسمی و فوت غیرعمد به دلیل رعایت نکردن در رانندگی یا حادثه‌های مربوط به کار و یا کوتاهی‌های پزشکی در امر درمان دید.

به عنوان نمونه قانون‌گذار در ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی باب تعزیرات جهت قتل غیرعمد به دلیل رانندگی، بجز پرداخت دیه، شش ماه تا یک سال زندان تصویب شده است و یا در ماده ۶۱۶ قانون مذکور جهت قتل غیرعمد به سبب بی‌توجهی و رعایت نکردن مقررات و موازین بعلاوه پرداخت دیه، کیفر حبس از یک تا سه سال در نظر گرفته شده است. مطلب دیگر اینکه در نظام حقوقی حاضر، بررسی به پرونده‌هایی درخصوص دیه در دادگاه‌های حقوقی نیز میسر است و آن در هنگامی که بررسی کیفری به مسئله طبق ماده ۱۰۶ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شامل مرور زمان شده باشد.

ولی درباره اینکه پرداخت آن از لحاظ مسئولیت کیفری و یا ضمانت و مسئولیت مدنی شکل می‌گیرد، در میان فقیهان و دانشمندان حقوق اختلاف نظر کلی وجود دارد. به این صورت که عده‌ای دیه را در چگونگی، در زمره کیفرها دانسته‌اند و بعضی هم چگونگی دیه را خسارت و مثل بقیه دیون می‌دانند، و در آخر عده‌ای معتقدند که دیه مسئله جداگانه‌ای است که از حیث مورد به یکی تشابه دارد. ولی در محاسبه ایده‌های مطرح شده و نتیجه‌گیری آنها چنین ثابت می‌شود که، کیفر و بازدارندگی فقط به حقوق کیفری اختصاص ندارد و هدف تلافی خسارت نیز همیشه از روش و شیوه حقوق خصوصی پیگیری نمی‌شود.

در موردهایی که دیه از بیت‌المال یا عاقله پرداخت می‌شود، نیت آن تلافی خسارت می‌باشد ولی در این موردها دیه جزو حقوق مدنی و حقوق کیفری به حساب نمی‌آید، بلکه یک نوع ابتدایی از تأمین اجتماعی که در حیطة حقوق عمومی قرار دارد و اساس آن عدالت توزیعی است. در بعضی موارد، شخصی که خسارت را وارد کرده باید دیه را پرداخت کند، در این صورت دیه جزو حقوق خصوصی است و شامل دو هدف می‌باشد: ۱- تلافی خسارت متضرر، ۲- کیفر بوجود آورنده خسارت و منع کردن وی و سایرین از تکرار عمل خسران‌آور در آینده؛ زیرا برعکس هر آنچه که همیشه تصور می‌شود، منظور مسئولیت مدنی فقط جبران ضرر و زیان نیست و همیشه بازدارندگی و کیفر از هدفها و مقاصد مهم مسئولیت مدنی بوده و هر روز اهمیتش بیشتر می‌شود.

ترکیب حقوق اسلام با حقوق جدید باعث شده تا بعضی از مسائل در مکان مناسب خود ارائه نشوند، این موقعیت در قانون مجازات اسلامی بیشتر دیده می‌شود. دیه نیز جزو این مسائل می‌باشد که با ادله زیر ماهیت کیفری ندارد و متعلق به حقوق شهروندان و حقوق خصوصی یا حقوق عمومی به طور کلی می‌باشد.

ضمانت اجرای کیفری، عکس‌العمل دولت به کیفر است در صورتی که دیه حقی است که یا حاصل ارتباط دوطرفه زبان‌بار ظالمانه میان بوجود آورنده خسارت و خسارت‌دیده در دنیای بیرون برای وی یا بازماندگان و اطرافیانش بوجود می‌آید و در

به دادگاه صالح فرستاده و با درستی دادنامه پرونده برای بار دوم جهت اجرای حکم به دادسرا فرستاده می‌شود و با اجرای دادنامه دفتر جرمی که شروع شده خاتمه پیدا می‌کند.

در موقعیت حقوقی فعلی در قانون‌های ماهوی قوانین زیادی جهت هر کدام از مرحله‌های ذکر شده تعیین شده است، لیکن با دقت به ماهیت دیه در جرم‌های غیرعمد پسندیده است تا مقنن سیاستی افتراقی درباره این قانون‌ها اخذ کند. همان‌گونه که ذکر شد معمولاً در یک دادرسی کیفری سه مرحله را در پی دارد: ۱- تحقیقات مقدماتی، ۲- دادرسی و رأی صدور، ۳- اجرای رأی.

۵-۶-۱. در مرحله تحقیقات مقدماتی

۵-۶-۱-۱. مطالبه دیه

در ابتدا جرم‌های غیرعمد موجب دیه، به طور کلی در یکی از نمونه‌های ذیل بیان می‌شود: ۱- تسبیب در قتل غیرعمد یا بوجود آمدن آسیب جسمی سهوی به دلیل رعایت نکردن در مقررات رانندگی، ۲- حادثه‌های پیش آمده از طریق کار، ۳- قصور و کوتاهی پزشکی، ۴- حادثه‌ها در حین ورزش.

همان‌گونه که ذکر شد فقط مطالبه دیه در مورد‌های ذکر شده جنبه عمومی و ماهیتی قابل بخشش دارد از این جهت محکوم شدن فقط با دادخواست شاکی خصوصی ممکن نیست. در نتیجه مقنن، دخالت دادستان و پیگیری این جرم‌ها به وکالت از جامعه را وابسته به خواست و نیاز ذی‌نفع (خسارت‌دیده از بزه) و دادخواست شکایت از طرف او کرده است (۲۰).

لیکن این حق در حال حاضر با محدود شدن زمان روبرو شده است به تعبیر دیگر در جرم‌های ذکر شده که ترکیبی از تعزیر و دیه می‌باشد طبق ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی، اگر چنانچه شخص آسیب‌دیده از بزه به مدت یک سال از تاریخ بوجود آمدن بزه دادخواست ندهد، حق شکایت کیفری از او گرفته خواهد شد. با این وجود خسارت‌دیده می‌تواند بعد از پایان مهلت ذکر شده درخواست خود را در چهارچوب طرح دعوی حقوقی با عنوان مطالبه دیه در دادگاه صالحه ارائه دهد که با توجه به اندازه آن بعضی اوقات مربوط به شورای حل اختلاف و گاهی به دادگاه حقوقی ارتباط دارد. به تعبیر دیگر

روشن است اگر دیه بطور قطعیت دارای ماهیت کیفری بود اساساً طلب کردن آن از دادگاه امکان‌پذیر نبود. در نتیجه با التفات به معنی لغوی و اصطلاحی از دیه و خصوصیات و مکان اعمال آن همان‌گونه که گفته شد در بوجود آمدن صدمه و آسیب غیرعمد می‌باشد (که در حقیقت از حیث نبودن راستی و درستی رکن معنوی در همه این موارد ارتکاب بزه نفی شده و مجرم نامیدن مرتکب عملی نادرست است)، دیه ماهیت کیفری نداشته پس در نتیجه چنین به نظر می‌رسد نمی‌توان آن را عکس‌العمل رسمی به کیفر و منحصر به دولت دانست و لذا احتمال انتخاب سیاست جنایی افتراقی و بررسی و مصمم شدن به این نوع از موارد با معیاری مشخص و با شرکت کردن ارگان‌های اجتماعی و نهادهای حکومتی، آن طور که در ادامه شرح داده خواهد شد دور از ذهن نیست.

۵-۵-۴. لزوم افتراقی‌سازی سیاست جنایی

با دقت نظر به ماهیت دیه در جرم‌های غیرعمد و با توجه به اینکه در حالت فعلی قوانین بررسی به اغلب جرم‌های یکسان مشخص شده است می‌توان حفظ حقوق و عزت انسانی درباره مجرم، دوری از برچسب زنی به او، تلافی ضرر و زیان به شخص آسیب‌دیده این گونه از جرم‌ها و همین‌طور تسریع در جبران خسارت، گرایش به دیدگاه اصلاحی در بررسی به جرم، کم شدن اطاله دادرسی و کم شدن هزینه‌های دستگاه قضایی، قضا‌دایی، و بکار بردن از ظرفیت‌های ارگان‌های مدنی در بررسی به این نوع از ادعاها را از واجبات تهیه و اجرای سیاست جنایی افتراقی در جرم‌های غیرعمد مسبب دیه به حساب آورد که در ادامه این بحث به بعضی از آنها اشاره خواهد شد.

۵-۶. سیاست جنایی افتراقی در مقررات راجع به دیه

جرم یا عمل خلاف قانون در زمانی بوجود می‌آید و بعد از آن کشف می‌شود. بعد از پیدایش جرم تعقیب کردن شخص متهم شروع و با تفحص و تحقیق درباره او و محرز شدن انجام آن عمل از طرف مرتکب، در آخر با صادر شدن قرار جلب دادرسی و کیفرخواست مطالعات و پژوهش‌های مقدماتی در دادسرا پایان یافته و پرونده برای عملکرد دادرسی و صادر شدن حکم

متهم را مهیا کند، نخواهد بود و باید از دیگر قرارهای تأمین آسان‌تر بکار گیرد.

۵-۶-۲. مرحله رسیدگی و صدور رأی

بررسی دعوی در دادگاه و صادر شدن رأی دومین مرحله از عملکرد رسیدگی به جرم ارتکاب شده می‌باشد، در این قسمت هم مقنن موازین و مقررات شاهد بر وضعیت رسیدگی و قواعد گواه بر تعیین کیفر را در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی تعیین کرده است ولی با دقت و باریک‌بینی در متون قانونی می‌توان نظریه و نگاه افتراقی قانون‌گذار در روبه‌رو شدن با جرم‌های غیرعمد را دید که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

۵-۶-۲-۱. مجازات‌های جایگزین حبس

بعضی اوقات مقنن بخاطر قوی کردن عملکرد برخی از کیفرها تصمیم می‌گیرد تا سیاست خود را برای تعیین نوع کیفر تغییر دهد. از بین بردن بعضی از کیفرهایی که منفعتی ندارند و یا عوض کردن نحوه اجرای برخی دیگر از کیفرها، این تحول نگرش در سیاست‌های بزرگ مقنن حاکی از این است که کیفر حبس بیشتر از کیفرهای دیگر در معرض آسیب‌شناسی و تعیین نقاط ضعف و قوت آن مورد توجه قرار دارد (۲۱).

این سیاست در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به نام کیفرهای حبس در حقوق کیفری ایران متبلور شد. اگرچه حیطة اجرای این قانون حبس‌های تعزیری و در صورتی مسئله مورد گفتگو در این متن دیده در جرایم غیرعمد می‌باشد اما باید بیان کرد اساساً جرم‌های غیرعمد شامل دیده از حیث مقصر بودن مرتکب قطعی می‌شوند و تقصیر آن‌طور که در تبصره ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مشخص شده است شامل مراعات نکردن و بی‌توجهی، مسامحه، غفلت، فقدان مهارت و فقدان رعایت کردن نظامات دولتی و امثال آنها، مطابق با موارد بی‌احتیاطی و سهل‌انگاری به حساب می‌آید. روشن است به حقیقت پیوستن جرم‌های غیرعمد مربوط به مشخص شدن تقصیر است.

مراعات مهلت ذکر شده به عنوان متغیر اصلی در مشخص کردن ماهیت دعوی می‌باشد و این در صورتی است که در بقیه جرم‌ها این‌گونه سیاستی نیست.

۵-۶-۱-۲. ممنوعیت صدور قرار کفالت و وثیقه

در عین حال به سبب تبصره ۳ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری در جرم‌های غیرعمد در شرایطی که به صلاح دید مقام قضایی ضمانت حقوق بزه‌دیده به روش دیگر ممکن باشد، صادر کردن قرار کفالت و وثیقه نیاز نیست، و این مقرر قانونی موجب ممانعت از بازداشت موقت متهم و گرفتن آزادی او به دلیل بزه غیرعمدی شد، به عنوان یکی از موضوعات افتراقی‌سازی قوانین دادرسی کیفری در جرم‌های غیرعمد به حساب می‌آید. به تعبیر دیگر قاضی باید تا جایی که امکان دارد از انتخاب قرار کفالت و وثیقه در این جرم‌ها دوری کند.

۵-۶-۱-۳. پذیرش بیمه‌نامه به عنوان تأمین

به سبب ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در موردها و حالاتی که دیه یا خسارت شخص متضرر از طرف بیمه جبران می‌شود، بازپرس با توجه به مبلغی که باید از طرف بیمه پرداخت شود قرار تأمین مناسب صادر می‌کند. روشن است یکی از موارد این ماده جرم‌های غیرعمد موجب دیه می‌باشد. و بدیهی است که اتخاذ این‌گونه سیاستی به علت دید و نظر افتراقی قانون‌گذار به این جرم می‌باشد. از این جهت طبق ماده ۴۹ قانون بیمه اجباری ضرر و زیان وارد شده به شخص ثالث بخاطر حوادث متأثر از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰: «مراجع قضایی مکلفاند در دعاوی مربوط به حوادث رانندگی، در صورت وجود بیمه‌نامه معتبر و کافی و احراز اصالت آن، صرفاً متناسب با جنبه عمومی جرم برای راننده مسبب حادثه قرار تأمین صادر کند».

با این توصیف و توضیح در صورت وجود بیمه‌نامه فقط احتمال صادر کردن قرار تأمین از لحاظ جنبه عمومی جرم وجود دارد، که با توجه به توصیف غیرعمدی جرم و همین‌طور فراهم شدن موجبات ضمانت حقوق بزه‌دیده، مرجع قضایی مختار به صدور قرار کفالت و وثیقه که اغلب می‌تواند عوامل بازداشت

۵-۶-۳-۱. زمان پرداخت دیه

به سبب ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تاریخ پرداخت دیه از هنگام انجام جنایت به ترتیب ذیل می‌باشد، بجز اینکه به صورت دیگری راضی شده باشد: الف- در عمد موجب دیه ظرف یک سال قمری. ب- در شبهه عمد ظرف دو سال قمری ج- در خطای محض ظرف سه سال قمری.

با این حال در زمان صادر شدن دادنامه قطعی تا زمانی که مهلت‌های داده شده نگذشته باشد احتمال ملزم کردن محکوم‌علیه به پرداخت دیه و ضبط مال و ثروت وی و یا اعمال ماده ۳ قانون شیوه اجرای محکومیت‌های مالی و زندانی کردن محکوم‌علیه نخواهد بود جز اینکه خودش تصمیم بگیرد قبل از اتمام مهلت داده شده نسبت به پرداخت دیه مبادرت ورزد که در این حالت برابر ماده ۵۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قاضی اجرای احکام کیفری در حین اجابت، موضوع را به محکوم‌له ابلاغ می‌کند.

۵-۶-۳-۲. پرداخت‌کننده

اصل شخصی بودن کیفرها یکی از اصل‌های اساسی حقوق کیفری جدید است و در عصر کنونی بر خلاف ادوار گذشته، کیفرها به نزدیکان بزهکار سرایت پیدا نمی‌کند، لیکن تنها خود مجرم کیفر می‌شود و چنانچه مجرم فوت کند، دعوای عمومی هم که مقصودش اعمال کیفر یا اصلاح و تربیت مرتکب می‌باشد از بین می‌رود (۲۰). با این حال اگر مسئله دادنامه دیه باشد، قوانین دیگری بر مسئله حاکم است تا جایی که امکان دارد افراد دیگری نیز موظف به پرداخت دیه شوند که در ادامه گفته خواهد شد.

۵-۶-۳-۱. وراثت محکوم‌علیه

اگرچه در بقیه جرم‌ها در صورت فوت محکوم‌علیه اجرای حکم متوقف شده و مرجع قضایی به سبب بند الف ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مکلف به صادر کردن قرار موقوفی اجرا می‌باشد، اما این قانون در شرایطی که محکوم‌علیه مجبور به پرداخت دیه باشد اعمال‌پذیر نیست، زیرا طبق ماده ۲۰ قانون ذکر شده از بین رفتن دعوی عمومی باعث از بین رفتن دعوی

در جرم‌های موضوع این متن که اکثراً در غالب حادثه‌های رانندگی، کار، طبابت و ورزشی واقع می‌شوند اگر ضرر و زیان بخاطر مقصر بودن مجرم بوجود بیاید، مرتکب اضافه بر وظیفه پرداخت ضرر وارده (دیه) بخاطر مقصر بودن از لحاظ جنبه عمومی جرم باید مجازات شود که این کیفر عمدتاً به صورت محکوم شدن به حبس‌های تعزیری کوتاه‌مدت می‌باشد. البته این‌گونه به نظر می‌آید که چنین کیفرهایی برای فردی که عمل او به دلیل نداشتن قصد و نیت منفی و به شکل سهوی بوده آن‌چنان مؤثر و نتیجه‌بخش نمی‌باشد.

از این جهت سیاست جنایی مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مشخص نمودن جرم در این نوع از جرم‌ها تغییر و به شکل افتراقی (تفکیکی) وضع گردد. بدین صورت که برابر ماده ۶۸ قانون موصوف: مرتکبان جرایم غیرعمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردد، مگر اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس، اختیاری است. با این توصیف در جایگاه حقوقی حاضر احتمال مشخص کردن جرم حبس تعزیری در جرم‌های غیرعمد موجب دیه تا دو سال ممکن نیست و دادگاه مجبور به مشخص کردن کیفرهای جایگزین حبس می‌شود و این روش در حبس‌های سنگین‌تر هم با اختیارات دادگاه قابل اجرا می‌باشد.

۵-۶-۳. مرحله اجرای حکم

نتیجه یک دادرسی از روی عدل در اجرای درست دادنامه صادر شده قرار دارد و اگر حکم قطعی به شکل درست و کامل اجرا نشود مانند این است که تمام زحمات و تلاش‌های صورت گرفته به فنا رفته و بی‌نتیجه بوده است. اساساً با نهای شدن دادنامه و فرستادن پرونده به قسمت اجرای احکام کیفری، مراحل اجرای دادنامه بدون وقفه شروع می‌شود، اما اگر کیفر مشمول دیه بود باید اجرای احکام دارای قوانین و موازین ویژه‌ای باشد که در ادامه بعضی از سیاست‌های جنایی افتراقی گفته می‌شود.

از شرایط دیگری که وظیفه پرداخت دیه از وظایف خویشاوندان مرتکب می‌باشد وقتی است که مرتکب جرم صغیر یا دیوانه هست زیرا طبق بند ب ماده ۲۹۲ قانون الاشعار جرم و بزه این افراد هم خطای محض به حساب می‌آید.

۵-۶-۳-۲-۳. ضامن جریره

هر چند در قانون مجازات کنونی اسمی از ضامن جریره در بین پرداخت‌کنندگان دیه برده نشده است، ولی در قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰) به پیروی از متون فقهی در تبصره ۳۰۷ شخصی که با عقد ضامن جریره دیه جنایات شخص دیگری را متقبل شده را عاقله به حساب می‌آورد. مطلب مورد توجه این است که عاقله ضامن جریره فردی است که در برابر ارتب بردن از شخصی که وارثی ندارد و با بستن قرارداد تعهد به پرداخت دیه جنایت او می‌دهد. دوماً وظیفه ضامن جریره در جرم‌های خطایی (غیرعمد) مرتکب می‌باشد نه در جنایات عمدی، از این جهت قانون‌گذار ضامن جریره را هم عاقله به حساب می‌آورد. در هر صورت و با چشم‌پوشی از فقدان اشاره مشخص و روشن به این مطلب در قانون کنونی، براساس متون معتبر فقهی واگذاری وظیفه پرداخت دیه از شخص مرتکب با بستن قرارداد به ضامن جریره در هیچ‌کدام از جرم‌ها قابل محقق نمی‌باشد و فقط در جرم‌های غیرعمد موجب دیه به عنوان یکی از مصداق‌های نظر افتراقی شارع بر مسئولیت مرتکب در این قسم از جرم‌ها است.

۵-۶-۳-۲-۴. وضعیت شرکت‌های بیمه

شاید توانست روش نوین قرارداد ضامن جریره را در قراردادهای بیمه امروز به حساب آورد، چون در این قراردادها بیمه‌گر در مقابل مبلغی که بنام حق بیمه از بیمه‌گذار دریافت می‌کند پرداخت ضرر و زیان وارد شده توسط شخص بیمه‌گذار را در شرایطی (طبق قرارداد) عهده‌دار می‌شود، که یکی از این خسارات، دیه به عنوان یک خسارت بدنی محسوب می‌شود. در حقیقت بیمه، زاده نیازها و احتیاجات زندگی شهری مدرن بشری می‌باشد. در این ارگان یا مجموعه، عده‌ای برای ایمن شدن در معرض پیدایش حوادث و اتفاقات و آسیب‌هایی که

خصوصی نمی‌باشد. در نتیجه ورثه وی به عنوان جانشین فرد فوت شده طبق قواعد عمومی موظف به پرداخت دیه می‌شوند. به سبب ماده ۵۳۵ قانون ذکر شده وقتی شخصی که محکوم به دیه باشد فوت کند، قاضی اجرای احکام در صورت درخواست محکوم‌له براساس قوانین وابسته، دیه را از میراث محکوم‌علیه برداشت می‌کند.

۵-۶-۳-۲-۲. عاقله

با توجه به اینکه خویشاوندان هر فردی زمانی که فوت می‌کند از وی ارث می‌برند، به تعبیری از این فرد منفعتی شامل حالشان می‌شود، همین‌گونه متقابلاً زمانی که این فرد بدون تقصیر و به صورت خطای محض به دیگری آسیب می‌رساند و مرتکب جنایتی می‌شود، خویشاوندانی که در حالت عادی از ایشان ارث برده‌اند در زمان پرداخت دیه در مقابل جنایتی که بدون تقصیر مرتکب شده موظف به پرداخت دیه هستند، به این خویشاوندان عاقله می‌گویند.

این سنت در قبل از اسلام وجود داشته و با آمدن اسلام این سنت نیز مهر تأیید خورده است و کماکان این سنت در فقه اسلام باقی ماند و تا امروز در میان قوانین کیفری ما نیز وجود دارد. ریشه این کلمه عقل می‌باشد، که هم معنی دیه و هم به معنی منع بکار می‌رود. در تعریف نخست هدف از عاقله کسانی هستند که دیه را پرداخت می‌کنند و در تعریف دوم هدف از آن مانع‌کنندگان بزهکار از مرتکب شدن به بزه می‌باشد (۲۲).

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در بعضی مواقع وظیفه پرداخت کردن دیه از کفالت مرتکب خارج و به خویشاوندان وی انتقال پیدا می‌کند، که با عنایت به اصل کلی شخصی بودن کیفرها می‌توان این انتقال ذمه را شکلی از سیاست جنایی افتراقی قانون‌گذار در جرایم غیرعمد موجب دیه دانست. به عنوان نمونه به موجب ماده ۴۶۳ قانون ذکر شده در جرایم خطای محض که در ذیل دسته جرایم غیرعمد قرار دارد اگر جنایت یا جرم با بینه یا قسامه یا علم قاضی به اثبات برسد پرداخت دیه با عاقله می‌باشد. در جرم‌های خطای محض مادون نفس نیز طبق ماده ۴۶۷ قانون ذکر شده عاقله موظف به پرداخت دیه جنایات افزون‌تر از موضعه است.

تمکن مالی نداشته باشد از طریق بیت‌المال پرداخت می‌شود. در این شرایط تفاوتی میان دیه نفس و غیر آن وجود ندارد. ظاهراً دلیل مسئولیت بیت‌المال در جرم‌های خطایی (غیرعمد) مرتکب آن است که وقتی شخصی فوت کند و وارثی نداشته باشد امام و حاکم شرع وارث اوست، در نتیجه پرداخت دیه جرم‌های خطایی او نیز در صورت نبودن گروه‌های دیگر عاقله وظیفه بیت‌المال می‌باشد (۲۲).

شکل دوم مسئله مواد ۴۷۴ و ۴۷۵ قانون ذکر شده می‌باشد با این شرح که در جرم‌های شبه عمد و خطای محض در شرایطی که پرداخت دیه با مرتکب باشد، اگر به علت فوت یا فرار مرتکب، احتمال دست یافتن به او میسر نباشد و ثروتی هم نداشته باشد و یا مال او کافی نباشد، دیه از بیت‌المال برداشته می‌شود.

۵-۶-۳-۳. دعوای اعسار

از جمله موازین و قوانین ویژه حاکم در مرحله اجرای حکم، امکان طرح دعوای اعسار از جانب فرد محکوم شده به پرداخت دیه می‌باشد. با این شرح که طبق قانون شیوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳ اگر محکوم، ادعای اعسار از پرداخت دیه را داشته باشد می‌تواند با مراعات کردن موارد قانونی با ارائه دادخواست اعسار درخواست صادر کردن حکم بر اعسار مطلق و یا اعسار نسبی خود را بنماید که در تعقیب تشکیل جلسه دادرسی با قوانین و ضوابط دادرسی حقوقی، حکم به قبول یا رد اعسار مطلق یا نسبی پرداخت‌کننده دیه صادر می‌شود. ولی با توجه به اینکه اعسار امر عارضی به حساب می‌آید و احتمال به وقوع پیوستن آن در زمان ممکن می‌باشد. در نتیجه رأی صادره در صورت قطعیت، منزلت امر مختومه را ندارد و طبق تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون ذکر شده هر یک از محکوم‌له و محکوم‌علیه می‌توانند با ارائه دادخواست، تقسیم اقساط را از دادگاه تقاضا کند که دادگاه با توجه به نرخ تورم مطابق اعلام مراجع رسمی قانونی کشور یا تغییر در چگونگی امرار معاش و درآمد محکوم‌علیه نسبت به تقسیم میزان اقساط اقدام می‌نماید. دوماً به موجب ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی در شرایطی که پرداخت‌کننده تصمیم داشته

احتمال دارد ببینند، برای رها شدن از این رخدادهای ناخوشایند صندوق مالی را بوجود می‌آورند و هرکدام از اعضا مبلغی را واریز می‌کنند تا در صورت پیدایش این حوادث، و رفع خسارت هرکدام از اعضای گروه، از مبالغ جمع شده در صندوق، از عضو خسارت‌دیده رفع ضرر و زیان شود (۲۳).

سابقه بیمه نشانگر این است این مجموعه برای نخستین بار از قرن ۱۵ میلادی در زمینه نقل و انتقال دریایی کالا در کشورهای مدیترانه‌ای و ایتالیا بوجود آمد. در ایران هم بیمه از سال ۱۳۱۰ با شرکت‌های خارجی شروع به فعالیت کرد و نخستین شرکت بیمه ایرانی بنام بیمه ایران با سرمایه دولتی در سال ۱۳۱۴ آغاز شد (۲۳). عمدتاً شرکت‌های بیمه با دو گروه افراد و خسارت فعالیت می‌کنند که هدف ما در این متن گروه دوم یعنی خسارات می‌باشد. اگرچه در گذشته با شنیدن نام بیمه حادثه‌های رانندگی و مسائل نقل و انتقال به ذهن خطور می‌کرد، اما امروزه خدمات شرکت‌های بیمه به شکلی است که بیشتر مشاغل و کارهایی را که احتمال بوجود آمدن خسارت و آسیب را دارند شامل می‌شود. در حال حاضر بیمه نه فقط در حوادث رانندگی، کار و طبابت و ورزشی وظیفه پرداخت دیه را از طرف بیمه‌گذار متعهد می‌شود، بلکه در آسیب‌های جسمی هم نقش بسزایی ایفا می‌کند تا جایی که گستره خدمات آنها مشاغلی مانند وکالت در دعاوی را نیز شامل می‌شود. اما موضوع مشترک قابل ذکر درباره تمامی انواع بیمه آن است که این شرکت‌ها در جرم‌های غیرعمد موجب (خسارت) دیه می‌توانند طبق این قرارداد بسته شده به کمک بیمه‌گذار بنام مسئول اصلی پرداخت دیه اقدام کنند.

۵-۶-۳-۲-۵. بیت‌المال

در بعضی از جرم‌های غیرعمد موجب دیه (نفس و مادون) وظیفه پرداخت دیه با بیت‌المال می‌باشد. شکل اول موضوع ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که براساس آن: در حالتی که مرتکب عاقله نداشته نباشد یا عاقله او به علت فقدان تمکن مالی در توانش نباشد که دیه را در تاریخ تعیین شده پرداخت کند، دیه بوسیله مرتکب و اگر

شوراهای حل اختلاف، نهادهای داوری، و... اشاره کرد. اما باید دقت داشت که چنانچه با رویکرد سنتی به عالم حقوق بنگریم، بی‌نظمی ظاهری در طراحی هنجارهای موجود مواجه می‌شویم؛ اما واقعیت این است که تحولات قانونی جدید را باید در پرتو کثرت‌گرایی و نگاهی نوین به فرمالیسم حقوقی در نظر گرفت. از این منظر، نمی‌توان یک نظم سراسری و یک‌پارچه برای تمام حوزه‌های حقوق کیفری در نظر گرفت. در واقع علی‌رغم این‌که حقوق کیفری دارای اصول و قواعد کلی می‌باشد و یک نظم کلی و منعطف بر تمام قلمرو آن حاکم است، در عین حال، به واسطه پیچیدگی‌هایی که در روابط افراد در سطح جامعه ایجاد شده است، نظم‌های کوچک‌تری در حوزه‌های جزئی‌تر حقوق کیفری شکل گرفته است که هر کدام به نوبه خود دارای اصول و قواعد اختصاصی می‌باشند. در واقع وضعیت جرائم غیرعمدی موجب دیه نیز در نظام حقوق کیفری به همین صورت می‌باشد؛ به تعبیری، نظم حاکم بر جرائم مزبور یک نظم اختصاصی کوچک در بطن نظم سراسری نظام حقوق کیفری محسوب می‌شود.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

باشد هرکدام از انواع دیه را پرداخت کند و یا دیه را از طریق اقساط پرداخت شود، معیار، قیمت زمان پرداخت است مگر اینکه به یک مبلغ قطعی توافق شده باشد.

۶. نتیجه‌گیری

نگاه به عالم حقوق از زاویه پست‌مدرنیسم و پیچیده شدن روابط تابعان حقوق باعث شده است که در عالم حقوق، شکست و انکسار ایجاد شود؛ بدین معنا که طبقه‌بندی‌های سنتی، نمی‌تواند روابط پیچیده فعلی تابعان حقوق را پوشش دهد. در نتیجه در حال حاضر شاهد این هستیم که حقوق اختصاصی^۱ یعنی حقوقی که طیف کوچک‌تر اما تخصصی‌تری از مصادیق روابط میان تابعان حقوق را به نسبت حقوق سنتی، پوشش می‌دهد، در فضای تحلیل‌ها و استدلال‌های حقوقی نوین پا به عرصه وجود نهاده است، که در این میان، بحث سیاست جنایی افتراقی در ارتباط با جرائم غیرعمد موجب دیه نیز از این اصل مستثنی نیست. در قوانین اخیر می‌توان نمونه‌هایی از رویکرد سیاست جنایی افتراقی قانون‌گذار در رسیدگی مراجع قضایی از زمان کشف تا اجرای احکام جرایم غیرعمد موجب دیه را مشاهده نمود. مقررات مزبور نشان می‌دهد که قانون‌گذار از رویکرد اطلاق‌گرایی سنتی نسبت به جرائم و مجازات‌ها عدول کرده است. شاید در نگاه اول چنین به نظر برسد که مجموعه مقررات موجود از جامعیت و هم‌گامی مناسبی با سایر قسمت‌های نظام حقوق کیفری برخوردار نباشد؛ و در نتیجه نتوان به صراحت، وجود سیاست جنایی افتراقی را در ارتباط با جرائم غیرعمدی موجب دیه مورد پذیرش قرار داد، زیرا در موارد متعددی در ارتباط با جرائم غیرعمدی موجب دیه، مشاهده می‌شود که موضع قانون‌گذار نسبت به بزه‌کاران جرائم مزبور با موضع قانون‌گذار در ارتباط با بزه‌کاران جرائم عمدی تفاوتی نمی‌کند؛ از جمله این موارد می‌توان به مقررات راجع به نحوه احضار و جلب متهم، امکان مشارکت نهادهای غیردولتی و مردم‌نهاد، و همچنین عدم امکان مراجعه به نهادهای منعطف‌تر مانند

^۱ Lex special

References:

1. Mirkhalili M, Hassani M. Differential criminal policy in the Alawi tradition With emphasis on the The treaty of Malik. *Islamic Law*. 2016;58(1):145-73. (Persian).
2. Karami D. Differential criminal policy in the realm of the constituent elements of cybercrime. *Parliament and strategy*. 2014;25(93):335-68. (Persian).
3. Leal-Arcas R. *Essential Elements of the Rule of Law Concept in the EU*. London: Queen Mary University of London; 2014.
4. Rosenfeld M. *Just interpretations: Law between ethics and politics*. London: University of California Press; 1998.
5. Eisenberg MA. *Foundational principles of contract law*. Oxford: Oxford University Press; 2018.
6. Ehrenberg K. *The Functions of Law*. Oxford: Oxford University Press; 2016.
7. Gardner J. *Law as a leap of faith: essays on law in general*. Oxford: Oxford University Press; 2012.
8. D'Aspremont J. International legal constitutionalism, legal forms and the need for villains. *Handbook on Global Constitutionalism*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing; 2017. p. 163-5.
9. Robertson M. *Stanley Fish on Philosophy, Politics and Law: How Fish Works*. Cambridge: Cambridge University Press; 2014.
10. Santos B. *Toward a New Legal Common Sense: Law, Globalization, and Emancipation*. Cambridge: Cambridge University Press; 2020.
11. Beyranvand F. *The procedure of national courts in confronting with international soft law with emphasis on international humanitarian law*. Tehran: Islamic Azad University; 2020. (Persian).
12. Kury H, Redo S. *Crime prevention and justice in 2030: the UN and the Universal Declaration of Human Rights*. London: Springer Nature; 2020.
13. Qureshi A. *Quran Dictionary Islamic*. Tehran: Bookstore Tehran; 1992. (Persian).
14. Zeraat A. *Description of the Islamic Penal Code of the Diyat Section*. Tehran: Phoenix Publications; 2002. (Persian).
15. Haeri A. *Riyadh Al-Masa'il (I - Hadith)*. Qom: Al-Bayt Foundation; 1998. (Arabic).
16. Najafi M. *Jawaherol Al-Kalam*. Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi; 1984. (Arabic).
17. Mousavi-Khoi Sayyid A. *Tkmlh Minhaj*. Qom: Madinaty publication Science; 1984. (Arabic).
18. Irvani B. *Preparatory lessons in argumentative jurisprudence on the Ja'fari religion*. Qom: Eslamiye; 2012. (Persian).
19. Badini H. *Philosophy of civil liability*. Tehran: Anteshar Co; 2013. (Persian).
20. Khaleghi A. *Point in the Code of Criminal Procedure*, published by the Institute of Legal Studies and Research Shahr-e-Danesh. Tehran: Publications of the Institute of Legal Studies and Research in the City of Knowledge; 2014. (Persian).
21. Ardabili M. *General Criminal Law*. Tehran: Mizan Publications; 2014. (Persian).
22. Sadeghi H. *Crimes against persons*. Tehran: Mizan Publications; 2013. (Persian).
23. Babaei I. *Insurance Law*. Tehran: Samat Publications; 2015. (Persian).



The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Differential criminal policy in unintentional crimes causes blood money in the light of the pluralism of the criminal justice system

Mostafa Kafi¹, Mohsen Shekarchizadeh^{2*}, Ahmadreza Tavakoli³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 7 February 2021

Accepted: 18 June 2021

Published online: 4 August 2021

Keywords:

Criminal Law System

Justice

Differential Criminal Policy

Unintentional Crimes

ABSTRACT

Background and Aim: Differential criminal policy in criminology is one of the first manifestations of pluralism in criminal law systems. The purpose of this study is to investigate and apply differential criminal policy in the field of unintentional crimes causing diyat.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Results: He observed manifestations of differential criminal policy in the design and adoption of criminal laws, especially the new Islamic Penal Code. In recent laws, we can see examples of the legislator's differential approach in dealing with judicial authorities from the time of discovery to the execution of sentences for unintentional crimes causing diyat. However, it seems that the mentioned regulations do not have the necessary comprehensiveness and at present it is not possible to explicitly confirm the existence of a differential criminal policy in unintentional crimes causing diyat.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: Looking at the world of law from the perspective of postmodernism and the complexity of the relations of the subjects of law has caused failure and refraction in the world of law; This means that traditional classifications cannot cover the current complex relationships of legal entities. The discriminatory criminal policy in relation to unintentional crimes causing diyat is no exception to this principle. From this perspective, a comprehensive and unified order for all areas of criminal law cannot be considered.

* Corresponding Author:

Mohsen Shekarchizadeh

Address: Department of Law,
Najafabad Branch, Islamic Azad
University, Najafabad, Iran.

Postal Code: 85141-43131

Telephone: 31-42292929

Email: Mohsen.Shekarchi@gmail.com

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Kafi M, Shekarchizadeh M, Tavakoli A. Differential criminal policy in unintentional crimes causes blood money in the light of the pluralism of the criminal justice system. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.